



راهکارهای ترجمه الگوهای معنایی (مجاز، کنایه و استعاره) در متون روایی

از عربی به فارسی

فرشته افزلی

fereshtehafzali@yahoo.com

چکیده

یکی از دشوارترین اجزای یک متن در برابریابی، استعاره، مجاز و کنایه می‌باشد که تئوری پردازان شیوه‌های گوناگونی را در ترجمه آن بیان داشته‌اند.

در این پژوهش برآنیم راهبرد های ترجمه این الگوهای معنایی را در متون روایی به شیوه توصیفی-تحلیلی مورد واکاوی قرار دهیم. و بررسی کنیم که آیا راهکارهایی در ترجمه الگوهای معنایی و صنایع ادبی در ترجمه متون روایی از عربی به فارسی وجود دارد یا نه. به همین روی احتمالات در ترجمه کنایه و مجاز (۱. ترجمه معنای واژه به دور از ترجمه مجاز، ۲. حفظ واژه اصلی و افزودن بر معنای آن واژه و ۳. جایگزین کردن تعبیرهای مجازی در زبان مقصد، به جای تعبیر مجازی در زبان مبدأ) و نیز ترجمه استعاره (۱. نگه داشتن شکل استعاری در صورت استعاره بودن، ۲. روشن‌گری معنای استعاری، ۳. جانشین کردن یکی از استعاره‌های زبان مقصد به جای استعاره اصلی، ۴. ماندن استعاره و روشن‌گری معنای آن با افزودن بر موضوع و یا وجه‌شبهه و ۵. ترجمه معنای استعاری، بدون آمدن استعاره اصلی را با آوردن نمونه‌هایی از داستان های عربی مورد کندوکاو قرار دادیم.

کلید واژگان: ترجمه، الگوهای معنایی، صنایع ادبی، مجاز، کنایه، استعاره.

مقدمه

الگوهای معنایی متفاوتی وجود دارد که در ادبیات، به صناعات ادبی مشهورند؛ از جمله: تشبیه، استعاره، تمثیل، مجاز، طنز و... مثلاً شاعر یا نویسنده، به سادگی دو عبارت را کنار هم قرار داده و با این کار، ارتباطی میان دو عنصر واژگانی به وجود می‌آورد. این دو عنصر، با هم درمی‌آمیزند و تصویر معنایی بی‌ظنیری را به وجود می‌آورند که قالب‌های عادی زبان، قادر به ارائه آن نیست. از این روی، با استفاده از الگوهای معنایی، بُعدی خلاق و ابدی به پیام خود می‌افزاید و این، ابدیت و خلاقیت پیام سخن ادبی است، که آن را از سخن غیر ادبی متمایز می‌سازد... (لطفی‌پور ساعدی، ۱۳۷۱: ۱۴۵) همان‌گونه که می‌گوییم: "بتسمت أساریر وجهه و لاحت فی عینیه، نظره منداحه فی متاهات التذکر". (محموظ، ۱۹۶۵: ۵۳) چین و شکن چهره او باز شد و خندید و نگاهی گسترده و ژرف در پیچ

وخم‌های خاطره، در چشمانش درخشید گل از گلش شکفت. متون ادبی سرشار از تعبیرهای استعاری، اصطلاحات و زبازدها است. "مترجم در ترجمه متن‌های توصیفی، باید ترکیب‌های مجازی و استعاری و به طور کلی ساختارهای بیانی نو و بدیعی را که در متن نویسنده آمده است، تشخیص دهد". (ناظمیان، ۱۳۸۱: ۱۹) هنگامی که یک نماد یا زبازده یا کنایه، در هر دو زبان مبدأ و مقصد هم از دید بازتاب مفهومی و هم از دید شکل و تصویر احساسی و عاطفی به کار گرفته شده، یکسان باشد، جایگزینی برابر دقیق و همسنگ آن در زبان مقصد، در مرحله نخست قرار می‌گیرد. از نمونه‌های صنایع ادبی: کنایه، مجاز و استعاره می‌باشد.

این پژوهش تلاش می‌کند به این پرسش پاسخ دهد که: چه راهکارهایی در ترجمه الگوهای معنایی و صنایع ادبی در ترجمه متون روایی از عربی به فارسی وجود دارد؟

پیشینه پژوهش

در زمینه ترجمه صناعات ادبی، پژوهش‌های بسیاری صورت گرفته است، ولی در راستای ترجمه این الگوهای معنایی در متون روایی به ویژه عربی به فارسی پژوهش مستقلی انجام نپذیرفته است. پژوهش‌ها عبارتند از:

- مورن، ریچارد؛ محمدرضا محسنی نیا، استعاره، فصلنامه فلسفه و کلام، ۱۳۸۴، شماره ۳۹ و ۴۰، صص ۲۴۶-۲۷۹.

- فریده علوی، ایجاز و مشکلات ترجمه آن، ادبیات و زبان‌ها، پژوهش ادبیات معاصر جهان، ۱۳۷۸، شماره ۷، صص ۴۷-۵۶.

- شیرین پورابراهیم، بررسی روش‌های ترجمه استعاره‌های مبتنی بر طرحواره حرکتی در نهج البلاغه، علوم قرآن و حدیث، پژوهشنامه نهج البلاغه، ۱۳۹۵، شماره ۱۴، صص ۳۵-۵۴.

- رضا امانی؛ یسرا شادمان، چگونگی معادل‌یابی استعاره‌های قرآنی در فرایند ترجمه، علوم قرآن و حدیث، ۱۳۹۱، شماره ۱۰، صص ۱۳۹-۱۶۸.

- علی رضا باقر، دشواری ترجمه استعاره با تأکید بر شیوه‌های برگردان استعاره‌های قرآنی در ترجمه طبری، علوم قرآن و حدیث، پژوهشنامه قرآن و حدیث، ۱۳۹۱، شماره ۱۱، صص ۳۹-۵۴.

- نیکو خیرخواه؛ فرزانه سجودی، فرهنگ، استعاره و ترجمه پذیر، جستارهای زبانی، ۱۳۹۲، شماره ۱۳، صص ۲۱-۳۸.